

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر

۰۴.۰۸.۱۰

در عشق و مزده راحتی زهی فکر محال

روز های اخیر، توأم است با سر و صدا های زیاد سیاسی و مطبوعاتی در افغانستان، منطقه و جهان مبنی بر افساء اسناد جنایات بیشمار اجانب علیه بقاء و سرنوشت ملت و مملکت عزیز ما افغانستان. اخیراً بخشی از اسناد پنهانی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در مورد رویداد های چند ساله در افغانستان گویا "اتفاقاً" به بیرون درز نموده و حقایق مربوط به تلفات افراد مُلکی در کشور ما، حمایت های بیدریغ مقامات حکومت پاکستان از تروریستان طالبی و القاعده، تماسهای تنگاتنگ مقامات مذکور با گروه های خونریز طالبان، سفر گلبدین به کوریای شمالی و حصول موشکهای حرارتی ضد هوائی و ده ها نکته دیگر را بیان میدارد.

اسناد محرمانه ای که اخیراً از طرف سایت انترنتی (ویکی لیکس)، یکی از نهاد های غیر دولتی در امریکا افشاء شده و از همین طریق گویا در اختیار منابع معتبر نشراتی مانند نیویارک تایمز، شپینگل و گاردین قرار داده شده است، گفته شده که مجموعاً بیشتر از نود هزار سند خاص و محرّم به دست آمده است. اینکه چرا؟ چگونه؟ در کجا و توسط چه کسی چنین اسناد مهم نظامی و استخباراتی به دست آمده و آیا مقامات امریکائی در این قضیه دست دارند یا خیر؟ هنوز کاملاً روشن نیست.

تاکنون، متن همه نود هزار سند هم در اختیار همه گان قرار داده نشده، ولی آنچه به گونه عاجل افشاء شده، اولاً اینست که تلفات افراد مُلکی در اثر عملیات های هوائی نیرو های ناتو در افغانستان، از آنچه تا کنون اعلان شده، به مراتب بیشتر بوده است، چیزیکه از سوی مقامات ناتو و وزارت دفاع امریکا پنهان نگهداشته شده است. دوم، جریان استمراری حمایت های همه جانبه مالی و لوجستیکی مقامات نظامی پاکستان از گروه تروریستی طالبان میباشد. در این اسناد، مخصوصاً از جنرال حمید گل پاکستانی به عنوان حامی و مبلغ سر سخت گروه طالبان و حتا سهمگیری وی در یک رشته عملیات های ضد افغانستان، با صراحت تذکر رفته است و سوم، گویا گلبدین رهبر حزب اسلامی مسؤول امور مالی القاعده به نام "امین" در سال ۲۰۰۵ به کوریای شمالی سفر کرده و با پرداخت مبالغ هنگفت، موشکهای ضد طیارات جنگی را به دست آورده اند و

...

اگر خواننده های گرامی به یاد داشته باشند، چندی قبل، مکتب اقتصادی لندن که یک مؤسسه معتبر تحقیقاتی است نیز افساء نمود که رهبران گروه طالبان و القاعده در خاک پاکستان بوده و مقامات پاکستانی از آن ها غرض برهم زدن اوضاع در کشور های همسایه، اخاذی و سوء استفاده های سیاسی کار می گیرند و ما در موقعش موضوع را به اطلاع شنونده های عزیز رسا نیدیم. علاوه بر آن، "مایک مولن" لوی درستیز یا رئیس نیرو های مشترک ایالات متحده آمریکا نیز در همین تازه گیها صراحتاً اعلام نمود که هم بن لادن و هم ملا عمر در خاک پاکستان به سر میبرند. البته این حرفها و افساء گریها برای مردم شریف افغانستان کاملاً تازگی ندارد، زیرا همه افغانها از چندین سال به اینسو با دل پُر خون و فریاد رسا گفته اند و میگویند که مقامات پاکستانی با پیشبرد سیاست دوگانه شیطننت آمیز و با سوء استفاده از اوضاع در افغانستان از یکطرف خود شان را به اصطلاح متحد آمریکا در جنگ با تروریسم نشان میدهند و از سوی دیگر، گروه تروریستی طالبان را به صورت ماهرانه حمایت، تقویت و رهبری مینمایند. افغانها بلاوقفه گفته اند و میگویند تا زمانیکه اصل منبع تروریسم که خاک پاکستان است تصفیه نشود، جنگها، تلاشها، مخارج گزاف، تلفات جانی و فعالیتهای نظامی هرگز به جایی نخواهد رسید. حتا یقین داریم که این حقایق، برای مقامات انگلیسی و امریکائی و متحدان بین المللی شان نیز پوشیده نبوده است. یا به عبارت دیگر، از سالهای ۲۰۰۱ میلادی تاکنون هم پاکستانی ها در قبال افغانستان سیاست دوگانه داشته اند و هم آمریکا و متحدان جهانی آن.

اعتقاد ما چنین بوده و هست که ایالات متحده آمریکا و سایر کشور های سرمایه داری جهان که در امور افغانستان نیدخل هستند، اصلاً نمیخواهند صلح و آرامش در این کشور متمدنه و ویران شده تأمین شود، یا در حقیقت، آرزو ندارند دامن خون آلود تروریسم از منطقه برچیده شود، زیرا منافع و مقاصد سیاسی - اقتصادی - ستراتیژیک شان را در بطن چنین اوضاع خونین جست و جو مینمایند. ما همیشه گفته ایم که مادامکه "شورای عالی" گروه طالبان در کویته پاکستان موجود بوده و کلیه عملیات تروریستی و انفجاری را از همانجا رهبری میکند، چرامقامات امریکائی که متحد و تمویل کننده عمده امور نظامی و اقتصادی پاکستان است، هیچگاه در این مورد حرفی نزده و نمی زنند؟ مادامکه بدنه دیگر گروه طالبان تحت رهبری ملا جلال الدین حقانی و پسر تروریست وی (ملا سراج الدین حقانی) در وزیرستان شمالی جا و پایگاه داشته و تاحال از همانجا ده ها عملیات خونین انتحاری را علیه جان و مال مردم افغانستان و قسماً نیرو های خارجی رهبری کرده و میکند، چرا مورد اعتراض مقامات ناتو، آمریکا و انگلیس قرار نداشته است؟ جالب اینست که اگر گاهی (آنهم در این اواخر)، مامورین امریکائی در این مورد ابراز نظری میکنند، به گونه ضمنی مثلاً میگویند "ملا حقانی باید تحریم شود"، حالانکه ملا حقانی و سایر ملا ها و مولوی های این گروه تروریستی به حیث قاتلان مردم و ویرانگران حرفه یی قابل محاکمه و مجازات قانونی و شرعی میباشند. یا وقتی بیشتر از سه صد تن تروریستان طالبی، دیده و دانسته از خاک پاکستان بالای شهرک "برگ متال" واقع نورستان افغانستان یورش می برند و آنرا اشغال نظامی میکنند، و باز در اثر حمله جانب افغانی، همین یورشگران صادر شده، مجدداً به سمت پاکستان پناه می برند، چرا مقامات امریکائی علیه مقامات پاکستانی اعتراض حقوقی و قانونی به عمل نمی آورند؟ آیا اگر فرضاً گروهی یا گروه مسلحی از خاک مکزیکو یا کانادا و کیوبا بالای مواضع امریکائی در خاک آمریکا حمله نموده و باز به پناهگاه اصلی شان عقب نشینی نمایند، آیا مقامات دفاعی آمریکا

خاموش خواهند ماند؟ آیا علاوه از اعتراضات جدی دیپلماتیک، حتا اعلان جنگ علیه جانب مقابل نخواهند داد؟

به هر حال، اکنون که هزار ها سند موثق به دست منابع نشراتی جهان قرار گرفته و این اسناد با صراحت گویای جنایات مقامات پاکستانی میباشند، مردم جهان، به خصوص مردم درد دیده و قربانی داده افغانستان سخت منتظر اند، امریکا، این منادی عدالت و دموکراسی در جهان، چه خواهد کرد؟

اکنون، مقامات کاخ سفید به عنوان یگانه ابرقدرت جهان که با اشغال نظامی افغانستان از ده سال به اینسو عملاً در این کشور حضور فزینگی دارد، اگر باز هم در برابر افشاء آنهمه حقایق تلخ ناشی از اعمال ضد انسانی و ضد افغانی حکومت مداران پاکستان و همسایه های نا جوانمرد دیگر، از سکوت و یا مسامحه کار گیرد، بدون شک به این نتیجه میرسیم که برنامه استعماری تجزیه و تقسیم افغانستان را که در این اواخر از حنجره اجنت های مطبوعاتی و دیپلماتیک خویش بیرون داده اند، روی دست خواهند داشت. یعنی در این صورت، ایالات متحده امریکا و متحدان بین المللی آن در نظر خواهند داشت، کمافی السابق، جنگ و جنایت و نا امنی و نا به سامانی در افغانستان و منطقه ادامه داشته باشد تا پس از آنکه پلان های مخفی و پشت پرده شان به قوام رسیده، اقدام به سلاخی جغرافیائی افغانستان (و احتمالاً کشورهای منطقه) نمایند.

مردم افغانستان دیگر به هیچ صورت نمیتوانند به وعده های دلخوشکن امریکا و سایر کشورهای جهان مبنی بر مثلاً "جنگ علیه تروریسم"، "تأمین صلح و امنیت در افغانستان" و یا "بازسازی و نو سازی" این کشور ویران شده باور داشته باشند. نتیجه و انتباهی را که تا کنون از موجودیت نیرو های خارجی و اقدامات و فعالیتهای آنان در کشور شان حاصل کرده اند اینست که هیچ یک از این کشورها در برابر مردم افغانستان صادق و دلسوز نبوده و نیستند، بلکه در تحت شعار ها و لفاظی های دیپلماتیک، سیاسی و تبلیغاتی، مقاصد از قبل تعیین شده خود شان را از پیش می برند و بس. بنابراین، با وضاحت میتوان گفت که دیگر کارد به استخوان مردم افغانستان رسیده دوستان دروغین و دشمنان دوست نمای خویش را خوب شناخته اند.

گرچه بارها گفته ایم، بار دیگر میگوئیم که تا زمانی که ملت نجیب ما همانند گذشته به خود تکان نداده راه شان را از خاینان، جنایتکاران، وطنفروشان و معامله گران دولتی و غیر دولتی جدا نسازند و تا موقعی که خود شان در روشنائی فهم و درک سیاسی و همدلی مبارزاتی با فرزندان صادق و با وجدان خویش به دفاع از افغانستان و ارزشهای ملی، مادی و معنوی آن کمر همت نبندند، هیچ بیگانه ای به حال شان دل نخواهد سوخت. در چنین صورت است که پلان ها و پروژه های ضد بشری شیاطین استعماری و نواله خوران بومی آنها خنثی شده میتواند. (پایان)